

یا شریک هر چیز قابل سرقتی را که باو سپرده شده بخود و یا دیگری اختصاص دهد با وجود داشتن تصرف قانونی نسبت بان شیئی مرتکب سرقت شده است  
تا تمام محمود ولی زاده انصاری

کلی راجع بحمايت جزائی صاحبان مال در مورد خیانت در امانت موجود نبود .  
بموجب قانون مصوبه ۱۸۵۷ که در سال ۱۹۱۶ اصلاح گردیده است همانطوریکه سابقاً تذکر داده شد اگر امین و

دنباله شماره پیش

## تعليق مجازات

اما در خصوص مجازاتهای که محروم کننده آزادی هستند - تعليق بمحكوميت های حبس وابستگی دارد سواي مجازاتهای شدید آن مثل نفي بلد - حبس سياسي ولي معذلك در نوع گناهان از حيث جنحه و جنابت فرقی نمیکند و در هر دو حال ممکن است تعليق اعطا شود بخلاف محکومیتهای خلافی که بعلمت ناقابل بودن آنها اعطاء تعليق روا نبوده چه آنکه بسط آن در اینگونه موارد اهمیت و نفع واقعی آنرا از بین برده و منظور حقیقی قانون گذار پامال می گردید .

در عوس ممکن است بمجرمین گناهان نظامی نیز تعليق شامل گردد . مثل قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۲۴ فرانسه در زمان صلح و قانون ۲۷ آوریل ۱۹۱۶ در زمان جنگ .  
تعليق بمحكوميتهای که غیباً اعلام شده است نیز شامل خواهد بود هر زمان که مجازات حبس و جزای نقدی توأمأ صادر میشود قاضی اختیار دارد که تعليق را در قسمت حبس اجرا کرده و نسبت بجزای نقدی ساکت بماند ولی تعليق را نمیتوان در مورد يك محکومیت حبس با جزای نقدی تقسیم کرد یعنی نمیتوان نصف محکومیت حبس یا نصف محکومیت جزای نقدی را دستوراً اجرا داده و نصف دیگر را تعليق نمود چه آنکه موضوع عمده و اساس تعليق این است که محکوم بحبس نرفته و اقامت در زندان نداشته باشد ولی باز این مطلب برای موضوع جرمه و جزای نقدی هم کمتر صادق است در هر حال این اصل کلی قابل مراعات بوده و مجازات قابل تقسیم نخواهد بود .

« در موقع صدور دادنامه محکومیت بحبس و جرمه اگر مقصر محکومیت قبلی نداشته و این محکومیت اعم از حبس برای جنحه و جنابت باشد دادگاه میتواند در ضمن دادنامه و با ذکر دلائل این تصمیم اجرای مجازات را تعليق کنند . »  
از این ماده چنین نتیجه میگیریم که تعليق ممکن است محکومیت جزای نقدی را هم شامل شود ولی از این قاعده هم محکومیت های دیگر مالی را نیز باید استثناء کرد مثل جرایمی که متخلفین مالیات بردرآمد یا مالیات برارث و انتقالات تعلق میگیرد - چه آنکه این نوع جرائم و نظایر آن مثل جرایمی که بمتخلفین قانون عوارض شهر داری وابستگی دارد نمیتوان صرفاً مجازات دانست بلکه تا حدی صورت خسارت را دارد که باید بدولت پرداخته شود . بنا براین تعليق باین نوع جرمه ها تعلق نکرده و بهمین لحاظ بمحكوميت های حقوقی هم ارتباطی ندارد . حتی در بعضی موارد خود قانون اعطا یا عدم اعطاء تعليق را تعیین میکند مثلاً در گناهانی که در قانون فرانسه مربوط به تقاب در کسب و تجارت است ( ماده هشتم قانون اول اوت ۱۹۲۵ - قانون ۱۲ دسامبر ۱۹۱۶ ) بطور وضوح بیان کرده است که جرمه مقرر مشمول مورد تعليق نخواهد بود ؛ غیر از موارد فوق که مصرحات قانون است تعليق در همه موارد بجزای های نقدی هم وابستگی داشته و میتوانند دادگاهها از آن استفاده برند .

فرد بخصوص و با ملاحظه خصوصیات و کیفیات زندگانی و اخلاق و سایر مراتب او تعلیق را در باره او اجرا دارند .

اعطاء تعلیق در تمام کشورها یکسان نیست مثلاً در آلمان بموجب قانون مجازات ۱۸۷۰ مقامات اداری میتوانند تعلیق را داده و وزیر دادگستری است که بعد از صدور دادنامه محکومیت تعلیق را اعطاء میکند .

\*\*\*

### ایرادات

برسیستم فرانسه ایراداتی نموده اند که ذیلًا تشریح

می نمائیم :

۱ - تعلیقی که دادرس بگناهکاران اعطا میکند دو کار مخالفی را انجام میدهد و خلاصه آنکه دادگاه کار غیب و بیپهوده صورت داده است چه آنکه محکومیت باید اثر خود را ببخشد وقتی اثرات دادنامه معلق شد در نظر جامعه دادنامه مزبور ارزش ندارد .

۲ - مقامات اداری بعلت آشنا بودن به پیشینه های محکوم اطلاعات بهتر و روشن تری از اشخاص دارند تا قاضی که بار اول با محکوم بی سابقه مواجه شده است .

### پاسخ ایرادات فوق :

ایرادات فوق بنظر وارد نبوده و بطور قطع ادعا را ثابت میکند چه آنکه تعلیق بموضوع اعتبار محکوم بها لطمه وارد نمیآورد قاضی فقط محکوم را از اجرای مجازات معاف میکند و محکومیت بجای خود باقی بوده و اثرات خود را نیز می بخشد - ثانیاً تفویض حق تعلیق بمقامات اداری مثبت آن خواهد بود که يك اختيار خودسرانه خواهند داد چه آنکه مقامات قضائی همه جا حافظ حقوق افراد بوده و بنابراین تعلیق را باید از طرف مقامات قضائی بلحاظ اهمیت شئون او در ضبط حقوق مردم تفویض و اعطا گردد .

نا تمام علی اصغر شریف

ب - چه دسته اشخاصی از تعلیق میتوانند استفاده کنند؟

چنانکه گفتیم مقصرین مبتدی که محکومیت قبلی حبس یا جزای شدیدتری نداشته باشند از تعلیق میتوانند بهره ور شوند. در این موضوع بایستی دقت بیشتری بعبارت قانون کرد که مینویسد : « اگر مقصر محکومیت قبلی نداشته باشد » آنچه در این مورد مناط اعتبار و ملاک امر واقع شده اجرای مجازات نبوده بلکه صرف اعلام محکومیت بایستی بحساب آمده در مقدرات مقصر تأثیر خود را بیخشد چه آنکه مقصر ابتدائی بکسی گفته میشود که محکومیت نداشته و مشمول این عنوان نباشد ام از اینکه محکومیت در باره او اجرا شده باشد یا نه ؟

با آنکه مقنن فقط محکومیت های حبس را شرح میدهد معذک این مسئله بدیهی و لازم بذکر نیست که محکومیت های سخت تر از حبس نیز شامل همین عنوان بوده و داخل در این محدوده است در صورتیکه محکومیت های جزای نقدی قبلی - محکومیت های خلافی - محکومیت های سیاسی - تبعید سیاسی و حتی حبس معمولی - محکومیت های صرف نظامی مثل فرار از خدمت یا عدم اطاعت کلیه آنها پیشینه جزائی محسوب نشده و تأثیری در سابقه مقصر ابتدائی نخواهد داشت .

تعلیق در باره گناهان نظامی نیز اجرا میشود ولی قانونگذار بین تعلیق حقوق عمومی و تعلیق نظامی تفاوت قائل شده مثلاً يك محکومیت قبلی برای مقصری که مرتکب گناه نظامی شده باشد صفت مقصر ابتدائی را از او سلب مینماید در صورتیکه بعداً باز گناه نظامی مرتکب شود ولی برای جرایم عمومی پیشینه محسوب نشده و همانطور که گفتیم سابقه ارتکاب جرم نظامی تأثیری نخواهد داشت .

ج - کدام دادگاه میتواند تعلیق اعطا کند ؟

هیچگاه تعلیق حق شناخته نشده و مورد مطالبه نمیتواند واقع شود حتی در باره کسی که تمام شرایط قانونی را حائز باشد فقط دادرسان میتوانند در نتیجه آزمایش يك